

نیاز دموکراسی‌خواهی به ائتلافی جدید

حسین نورانی‌نژاد

ضرورت رفتن به سوی ائتلافی بزرگ‌تر که ماب‌ه‌ازای ملموس اجتماعی داشته باشد

جبهه اصلاحات در حالی به زودی وارد دوره‌ای جدید از فعالیت خود می‌شود که انتظار چندانی برای تغییر رویکردها و نوع فعالیت آن نمی‌رود. فضای داخلی جبهه اصلاح‌طلبان به نحوی است که همین جبهه با مختصر تغییراتی احتمالا ادامه خواهد یافت و اصلاحاتی چون دموکراتیک شدن و دربرگیرندگی بیشتر آن، وزن متناسب دادن به احزاب فعال و موثر و ضرورت ما به ازای اجتماعی یا سیاسی داشتن هر سهمی که در آن شورا نصیب افراد یا احزاب می‌شود، همچنان به عنوان مطالباتی که شاید وقتی دیگر محقق شوند، در گوشه ذهن خواهد ماند. اما اصل حفظ این جبهه با توجه به نداشتن بدیل بهتر و اینکه هر انشعاب و تقسیم شدنی احتمالا به تضعیف اجزای آن منجر خواهد شد و وضعیت فعلی جبهه هم مزاحم و مخل کار هیچ عضو حقیقی و حقوقی آن نیست، هدفی است که می‌توان روی آن توافق کرد. اما آنچه مسلم است، اینکه این جبهه و ساز و کار آن، به هیچ‌وجه برای کنش موثر سیاسی و اجتماعی یک جریان گفتمانی ریشه‌دار و قدرتمند کافی نیست و توان آن را باید در نهادها و راهکارهایی مضاعف و موازی تقویت کرد. یکی از این اقدامات، رسیدن به ائتلاف یا جبهه‌ای وسیع‌تر پایه به معنای دقیق کلمه است. جبهه اصلاحاتی که صحبت آن رفت، یک ائتلاف پروانه‌ای از نیروهای صرفا سیاسی به معنای متعارف است. یعنی هر فرد یا گروهی که توانسته پروانه فعالیت کسب کند و خود را اصلاح‌طلب می‌داند وارد آن شده، بدون آنکه آورده سیاسی و اجتماعی خاصی را لزوما داشته باشد. همان ضعف مهمی که به آن اشاره شد ولی با توجه به واقعیات موجود پذیرفته‌ایم که مانند تمام سال‌های گذشته چاره‌ای جز تعدیل توقعات و چشم‌پوشی از کاستی‌ها و امید بستن به تلاش بیش از پیش نیروهای موثر و احزاب بزرگ‌تر نداریم. اما رفتن به سوی ائتلافی بزرگ‌تر که ما به ازای ملموس اجتماعی داشته باشد.

يك ضرورت فوري براي اين جبهه گفتماني و اجتماعي است. دقت بفرمايد كه از يك جبهه محدود سياسي يا حتي محوريت سياستمداران سخن در ميان نيست، بلكه منظور ائتلافي است كه چهره‌ها و گروه‌هاي مرجع و اصناف و اقشار مختلف كه تعلق خاطر به ارزش‌ها و گفتمان اصلاح‌گري دارند، موجوديت آن را در کنار فعالان سياسي همسو بسازند. منظور از ارزش‌هاي گفتماني اصلاحات، مواردی چون دموكراسي‌خواهي، حقوق بشر در همه ابعاد اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي، مدني و سياسي آن، به بيان ديگر محوريت كرامت انساني، حاكميت قانون، رواداري، نسبي‌گرایی سياسي، صلح، مرزبندي با هر گونه مداخله خارجي و حفظ تماميت ارضي است. نكاتي كه باور به آنها مستلزم باور يا رفاقت با اصلاح‌طلبان نيست و در بين اقشار مختلف از فرهنگيان تا هنرمندان و ورزشكاران و روزنامه‌نگاران و غيره مي‌تواند با رويکرد و ادبيات متفاوت اما همسو وجود داشته باشد. طيف‌هايي كه با دو قيد باور به فاصله زياد وضع موجود با آن ارزش‌ها و ديگري، ضرورت كنش‌هاي مدني و خشونت‌پرهيز براي کاهش اين فاصله، قابليت گرد هم آمدن و تشكيل ائتلاف‌هايي توان‌افزا دارند. اگر عنوان سياسي اصلاحات هم براي آنها يادآور جرياني سياسي و محدود است، اشكالي براي برندسازي جديد نيست. مهم، اصل تشكيل چنين ائتلافي از تغييرخواهان در چارچوب مورد اشاره است. در حالي كه دو جبهه ديگر شامل حافظان وضع نابرابر و غيرعادلانه موجود از سويي و براندازان بي‌مرز كه راهبردهايشان نه فقط منع كه گريزي از افزودن رنج به شهروندان ايراني با ابزاري چون تحريم و خشونت و جنگ ندارد، تمام ابزار رسانه‌اي و تبليغاتي موثر را با در اختيار داشتن پشتوانه‌هاي مالي و حكومتي مختلف، چه در داخل و چه در خارج از کشور به انحصار خود در آورده‌اند، نيروهاي ملي و مدني خشونت‌پرهيز و تحول‌خواه، چاره‌اي جز اين‌گونه فعاليتهاي جمعي و ائتلافي براي ساختن جامعه‌اي قدرتمند ندارند. به همين دليل شايد بهتر باشد توان اصلي نيروهاي جامعه‌محور در بين اصلاح‌طلبان كه تعلق خاطر بيشتري به اين‌گونه ائتلاف‌هاي متفاوت و وسيع‌تر دارند، مصروف چنين رويكردي شود. كاري كه بسيار سخت است، با موانع بسياري مواجه است، اما نشدني نيست. فعال كردن نيروهاي مشترك و فعال در حوزه‌هاي مختلف، ارتباط با سندیکاها و تشكلهای صنفی، هنرمندان و ورزشكاراني كه مسووليت اجتماعي بالايي از خود نشان داده‌اند و شكست يخ‌هاي ارتباطي، با گام‌هاي هرچند كوچك اما مطمئن، مي‌تواند چشم‌انداز تشكيل چنين جبهه‌اي براي آينده را نويد دهد. جبهه‌اي ائتلافي كه برند و هويت خود را به مرور خواهد ساخت و در تلاطم‌هاي ناگزير پيشرو محل رجوع نيروهايي باشد كه وضع موجود را ناگوار و غيرقابل دوام مي‌دانند، اما به چگونگي گذار از آن و ويژگي‌هاي جايي

